تحلیل انتقادی آراء آلوسی در انکار براهین عقلی وجوب عصمت امام

مجید معارف[1]
عبدالهادی فقهی زاده[2]
شکوه چینی فروشان[3]

چکیده

عصمت امام (علیه السلام) یکی از مبانی امامت در فرهنگ تشیع است؛ و علمای امامیه از دیر باز با برهان های متعددی ضرورت آن را اثبات کرده و به دفاع از آن پرداخته اند، درحالیکه این موضوع همواره از ناحیه مخالفین مورد نقد واقع شده است. . آلوسی- از مفسرین معاصر عامه - از جمله مخالفین عصمت است و نقدهایی را بر دیدگاههای امامیه در ادله عصمت وارد کرده است. او بر این باور است که با ختم نبوت موضوع عصمت پایان می یابد و برای حفظ دین فقط عدالت و اجتهاد کفایت می کند و نیازی به عصمت امام نیست. او همچنین معتقد است که بین عصمت امام و غیبت ایشان از منظر شیعه تناقض وجود دارد. این دیدگاههای آلوسی عمدتا برگرفته از نوع نگرش او به موضوع امامت و مساوی دانستن امامت و خلافت و تنزل مقام امامت به حد عالمان یک جامعه است. آراء آلوسی بعضا برگرفته از نظر پیشینیان است و مورد استفاده مخالفان معاصر نیز قرار گرفته است. در این پژوهش ضمن واکاوی و ارزیابی دیدگاههای آلوسی در نفی دلائل شیعه به تبیین ادله عقلی امامیه در اثبات ضرورت عصمت امام و تثبیت جایگاه و مقام امامت پرداخته شده است.

کلید واژه ها: آلوسی، براهین عقلی، عصمت امام، برهان تسلسل، حفظ شریعت

1- استاد دانشگاه تهران maaref@ut.ac.ir
2- استاد دانشگاه تهران Drfeghhizaseh@gmail.com
3- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

۱- طرح مسئله

از نظر علمای امامیه عصمت امام و ضرورت آن امری مسلم و قطعی است که برای اثبات آن ادله عقلی و نقلی بسیاری در کتب کلامی، تفسیری و روایی ذکر کرده اند. (نک: مظفر، ۲/ ۸؛ م. ح. علامه حلی،کشف المراد ۱۸٤؛ شیخ طوسی، رسائل العشر، ۱ /۳۲٤؛ شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ٤۰؛ شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، ۱۲۸؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، ۱/ ۲۰۲– ۲۰۳) (علم الهدی، تنزیه الانبیاءو الأئمه، ۲۲؛ علم الهدی، جمل العلم و العمل، ٤۱ شیخ طوسی، الغیبة، ۱٦؛ شیخ طوسی، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، ۱۸۹) در این میان برخی از علمای عامه از جمله آلوسی در مباحث تفسیری و کلامی خود معتقد به نفی ضرورت عصمت امام بوده و ادله ای در نقد آراء شیعه و اثبات نظر خویش ارائه نموده اند. آلوسی علاوه بر ادله نقلی، براهین عقلی شیعه در ضرورت عصمت را نیز نقد و انکار کرده است. او در نقد براهین عقلی دلایلی در رد سه برهان امتناع تسلسل، حفظ شریعت و برهان لطف ارائه نموده است. با توجه به موارد ذکر شده مسئله این مقاله توجه به دیدگاههای آلوسی در نفی ضرورت عصمت امام و واکاوی و نقد علمی آنها با تکیه بر استدلالهای علمای شیعه است.

۲- مقدمه

برای بحث نیاز به بررسی چند موضوع به عنوان مقدمه وجود دارد که به ترتیب آن ها را مطرح می کنیم:

۲-۱- آلوسی و دیدگاههای او درنفی ضرورت عصمت امام

آلوسی از مفسرین معاصر اهل سنت است و شهرت علمی او بیش‌تر به سبب تفسیر معروف روح المعانی می باشد، این تفسیرجامع آراء گذشتگان بوده و خلاصه‌ای از تفاسیر پیش از خود نیز محسوب می‌گردد. او در این تفسیر ضمن نقل نظر مفسرین پیش از خود به نقادی آنها نیز پرداخته است. آلوسی در تفسیر خود بیش از همه از تفسیر فخر رازی بهره برده، اما از آنجا که آلوسی حنفی مذهب بوده است بخشهایی از منقولات رازی را بویژه در مسائل فقهیه نقد کرده است. از آلوسی علاوه بر تفسیر روح المعانی بیش از ۲۰ کتاب به جا مانده است، که شرح العینیة فی مدح سیدنا علی(ع) و رساله‌ای در رد امامت شیعه از آن جمله‌اند. (نک: سجادی)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.1.2]

آلوسی در مباحث امامت؛ دیدگاههای شیعه در مبانی امامت را نقد و انکار می کند. او ضمن این مباحث به موضوع ویژگیهای امام از دیدگاه شیعه پرداخته و مدعی است حتی اگر فرضا ضرورت وجود امام از منظر شیعه را بپذیریم، باز هم نمی توان صفاتی چون عصمت و علم را که شیعه برای امامان ادعا کرده است، بپذیریم. او در این جهت ادله عقلی و نقلی امامیه در اثبات ضرورت عصمت امام را از کتب مختلف شیعه بیان کرده و سعی کرده با مناقشه در این ادله آنها را با دلایل خود رد کند. در اینجا باید به این مطلب اشاره کرد که شیعه برای عصمت امام هم به ادله عقلی و هم ادله نقلی استناد کرده است. دلایل عقلی از دیرباز برای اثبات عصمت ائمه غالبا در کتب کلامی شیعه ارائه شده اند، بعضی از این دلایل عقلی محض هستند و بعضی که در ارائه مقصود از مقدمات قرآنی و روایی بهره برده اند، عقلی محض نیستند (ابراهیم صفرزاده، ۱۵۲) و گاهی از یک دلیل تقریر های متعددی وجود دارد. (علی ربانی گلپایگانی، ٤١) خواجه نصیر طوسی در تجرید الاعتقاد در ضرورت عصمت امام به ۵ برهان امتناع تسلسل، ، برهان حفظ شریعت، برهان وجوب اطاعت، برهان نقض غرض و برهان انحطاط اشاره می کند. (طوسی، تجرید الاعتقاد، ۲۲۲) شیخ مفید ۳ دلیل امتناع تسلسل، حفظ شریعت و نقض غرض که وجوب اطاعت را هم شامل می شود (شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ٤٠) و در کتاب الفائق فی اصول الدین به برهان امتناع تسلسل، اقامه حدود، حفظ و تبیین شریعت، نقص مردم برای اثبات وجوب عصمت امام اشاره شده است.(نک: الملاحمی الخوارزمی)

آلوسی سه برهان امتناع تسلسل و برهان حفظ شریعت و برهان لطف را مورد تحلیل و نقد قرار داده و آنها را انکار می کند. او معتقد است عصمت به آن معنی که در انبیاء مطرح است یعنی عدم تصور گناه، از شروط امامت نمی باشد ، به عقیده او دیدگاه شیعه در باب عصمت امام مخالف کتاب و عترت است. (آلوسی، النفحات القدسیه، ۲۸) لازم به ذکر است از میان امت اسلامی ، تنها شیعه امامیه و اسماعیلیه به عصمت امامان ، وجوب امامت و وجوب نص قائل اند که بین دیدگاههای آن دو نیز تفاوت وجود دارد. در این موضوع اهل سنت با شیعه در اختلاف دائم بوده اند. چون اهل سنت نه به عصمت امام اعتقاد دارند ونه به وجوب امامت و وجوب نص. این مطلب نیز لازم است ذکر شود که آلوسی نسبت به مذهب شیعه تعصّب ورزیده و آشکارا آن را بیان می‌دارد و به شیعه بسیار می‌تازد و بعضا نسبتهایی بیان نموده که در کلام علمای شیعه نبوده است. در این پژوهش آراء آلوسی در انکار براهین عقلی شیعه در ضرورت عصمت امام را با استناد به ادله شیعه در اثبات مبانی امامت تحلیل و ارزیابی می کنیم.

۲-۲- مفهوم شناسی عصمت

عصمت در لغت به معنی باز داشتن[1] و خودداری کردن(راغب اصفهانی، ۳۳٦) است. معنای اصطلاحی عصمت با معنای لغوی آن اختلاف ماهوی چندانی ندارد ولی با توجه به مبانی کلامی، تعریفهای مختلفی از آن ارائه شده است.(علی ربانی گلپایگانی، ۲) (احمدحسین شریفی، حسن یوسفیان، ٤٩– ٦٨؛ سید موسی هاشمی تنکابنی، ۲۲–۳٤؛ ابراهیم صفرزاده، ۳۰– ۵۰ و ۱۰٤– ۱۲٤)

بیشتر دانشمندان امامیه[2] و معتزله[3] نظریه لطف الهی را در مورد عصمت، با اندکی تفاوت در جزئیات پذیرفته اند. بر اساس این دیدگاه، عصمت لطف الهی است که خداوند شامل حال برگزیدگان خود می کند و انسان معصوم به کمک آن و در عین داشتن اختیار و اراده آزاد و قدرت، از ارتکاب گناه و ترک طاعت خداوند، خودداری می کند.

گروهی از اشاعره (جرجانی و جلبی، ۸/ ۲۸۰)، عصمت را به پرهیز خداوند از آفرینش افعال قبیح و زشت در معصومین تفسیر کرده اند.(تفتازانی، ٤/ ۳۱۲) بدیهی است این معنا در نتیجه اعتقاد به جبری بودن عصمت حاصل می شود. برخی عصمت را به کمال نیروی عقلانی انسان (سید موسی هاشمی تنکابنی، ۲٦–۲۸؛ لاهیجی، ۳۷۹) یا ملکه نفسان(تفتازانی، ٤/ ۳۱۲؛ علم الهدی، تنزیه الانبیاءو الأئمه، ۱۹؛ ایجی، ۳٦٦) یانوعی علم (طباطبایی، ۵/ ۷۸– ۸۰ و ۱۵۸– ۱٦۲) تعریف کرده اند.

آلوسی عصمت را به حراست از ضرر و حفظ از گناه معنا کرده است. (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۳/ ۳۱٤؛ ٤/ ۳۱۰) او عصمت را در انبیاء؛ علاوه بر حفظ از گناه، عدم تصور گناه دانسته است. (همو، النفحات القدسیه، ۲۸) از نظر او عصمت لطفی است از جانب خداوند تعالی که معصوم را با بقای اختیار به سمت انجام کار می راند و از انجام

1 در بحث لغت شناختی عصمت نک: احد فرامرز قراملکی، شرح بر کشف المراد، مباحث نبوت (مقصد چهارم)، به قلم جمعی از محققان دانشگاه امام صادق، بخش خواهران، 1377، تهران

2 (ابن نوبخت ابی اسحاق ابراهیم، ۳۷) (شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ۳۷)(شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، مصفات شیخ مفید، ۵/ ۱۲۸)(علامه حلی، منهاج الیقین فی اصول الدین، ۲۷۸)(ع. ا. لاهیجی، ۹۰– ۱۱٤)(سیوری، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین، ۳۰۱– ۳۰۲)(سیوری، الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد، ٤۲)(شیخ طوسی، تلخیص الشافی، ۱/ ۱۹۳– ۱۹٤)(علم الهدی، امالی، ۲/ ۳٤۷)

3 (ابن ابی الحدید، ۷/ ۸)(الاشعری، ۲٦۳)(قاضی عبدالجبار، ۱۳/ ۱۵)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.1.2]

شر باز میدارد. او همچنین عصمت را در انبیاء؛ حفظ از گناه و به معنای عدم تصور گناه دانسته است. (آلوسی، النفحات القدسیه، ۲۸)

آلوسی در تفسیر روح المعانی به معنای کلامی عصمت پرداخته است. او معتقد است عصمت لطفی است از جانب خداوند تعالی که معصوم را با بقای اختیار به سمت انجام کار می راند و از انجام شر باز می دارد.

۳- دیدگاههای آلوسی در نفی ادله عقلی بر ضرورت عصمت امام و واکاوی آنها از منظر شیعه

آلوسی به چند برهان شیعه در اثبات عصمت امام اشکالاتی وارد کرده است. در اینجا به تفکیک پس از بیان دیدگاههای او در هر مورد به نقد و بررسی آنها می پردازیم.

۳-۱ دیدگاه آلوسی در نقد برهان امتناع تسلسل

آلوسی در انکار برهان امتناع تسلسل میگوید یکی از ادله امامیه برعصمت امام این است که اگر امام معصوم در جامعه حاکم نباشد ، فردی غیر معصوم حاکم است ، و به حکم عقل این فرد خود نیاز به رهبری معصوم دارد؛ و اگر او هم معصوم نباشد؛ لزوما تسلسل ایجاد می شود تا به معصوم برسد، و به جهت بطلان تسلسل امام باید معصوم باشد. از نظر آلوسی ضرورت نصب امام؛ تنفیذ احکام و حفظ حدود اسلام و جلوگیری از مفاسد است و برای آنها نیازی به عصمت نیست بلکه اجتهاد و عدالت کافی است. و چون گناهی بر تابع نیست، جایز الخطا بودن یا نبودن امام مساوی است. از نظر او دلیل تسلسل در اثبات عصمت امام باطل است، زیرا سلسله معصوم به پیامبر ص پایان می یابد. همچنین او معتقد است دلیل تسلسل با عقیده دیگر شیعه مبتنی بر نیابت مجتهد (غیر معصوم به اجماع شیعه) از امام معصوم در زمان غیبت نقض می شود.(آلوسی، النفحات القدسیه، ۲۹– ۳۰)

این دیدگاه آلوسی به نوعی برگرفته از آراء بعضی از پیشینیان بخصوص ولی الله دهلوی است که توصیف امام به عصمت را منافی با خاتمیت و اصل نبوت می داند.

نظر آلوسی در چند مورد با نظر فخر رازی متفاوت است. فخررازی وجود حجت معصوم را در هر دوره ضروری می داند و دلیل آن را بطلان تسلسل بیان می کند. اما او به جهت تعصب در

عقاید خویش، این حجت معصوم را اجماع امت معرفی می کند. (الرازی، تفسیر ۱۰ ۱۱۳–۱۱٤؛ و برای پاسخ نک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ۳/ ٤۳٥– ٤۳٦)

همچنین منشأ بعضی از شبهات امروزی را نیز میتوان در این رأی آلوسی ریشه یابی کرد. سروش در این باره می نویسد: "پس از پیامبر اسلام ص دیگر هیچ کس ظهور نخواهد کرد که شخصیتش به لحاظ دینی ضامن صحت سخن و حسن رفتارش باشد". (سروش، بسط تجربه نبوی، ۱۳٤؛ قدران قراملکی، پاسخ به شبهات کلامی ۱٤۷)

همو در جای دیگر می نویسد: "امامت را شرط کمال دین شمردن و امامان را برخوردار از وحی باطنی و معصوم و مفترض الطاعة دانستن (چنانکه شیعیان می دانند) چگونه باید فهمیده شود که با خاتمیت ناسازگار نیفتد"؟ (سروش، "پاسخ اول سروش به بهمن پور"؛ قدران قراملکی، پاسخ به شبهات کلامی ۱۷٥)

در مقابل این نظر، گروهی دیگر صفات عصمت، علم لدنی و اصل نصب را صفات فرا بشری توصیف و نظریه رقیب را (انکار صفات فوق) موافق اصل ختم نبوت تفسیر می کنند. (کدیور، ۹٥؛ قدران قراملکی، پاسخ به شبهات کلامی ۱٤۷)

۳-۱-۱- تحلیل و نقد دیدگاه آلوسی

اعتقاد شیعه بر این است که امام باید معصوم باشد و یکی از دلایلی که برای آن آورده اند این است که امتناع تسلسل دلیل بر وجوب عصمت است. (مظفر، ۲/ ۸؛ م. ح. علامه حلی،کشف المراد ۱۸٤؛ شیخ طوسی، رسائل العشر ۱/ ۳۲٤؛ شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ٤۰؛ شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، ۱۲۸) بسیاری از اندیشمندان و متکلمان اسلامی مثل شیخ مفید و سید مرتضی دلیل امتناع تسلسل را در باب عصمت انبیا و امامان آورده اند. این برهان با تقریرهای مختلفی بیان شده است. یکی از این تقریرها بیانی است که در مناظره هشام بن حکم با ضرار دیده می شود. این تقریر فقط یک پیش فرض دارد و آن هم این است که از جمله وظایف امام اجرای حد بر گناهکار است و اگر امام خود مرتکب گناه شود، باید فرد دیگری باشد تا حد بر او جاری کند و اگر او معصوم نباشد، نیاز به فرد دیگری است که این کار را انجام دهد و معصوم باشد.(صدوق، علل الشرایع، ۱/ ۲۰۲– ۲۰۳) البته مراجعه به روایات امام صادق ع روشن می سازد که ریشه های استدلال هشام در روایتی از امام صادق ع بیان شده است؛ ایشان می فرمایند: کسی که حدی بر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.1.2]

گردن اوست، خود نمی تواند اقامه حد کند، از این رو امام نیست.(صدوق، الخصال، ۱/ ۳۱۰)[1] تقریر دیگر این برهان در بیان شیخ مفید دیده می شود که در شرح این استدلال بیان می کند از آنجا که مردم معصوم نیستند و دچار اشتباه می شوند، باید کسی باشد تا این اشتباه را به آنان گوشزد کند و راه راست را به آنان نشان دهد و در مواردی که مرتکب جنایت می شوند، بر آنان حد جاری کند. او همان امام است و اگر معصوم نباشد تفاوتی میان او و مردم نخواهد بود و خود به امامان دیگری نیازمند می شود در حالی که امام نباید نیازمند دیگران باشد. (شیخ مفید، وقعة الجمل، ۳۱)[2] سیدمرتضی برهان امتناع تسلسل را استوارترین برهان عقلی بر وجوب عصمت امام دانسته است. (علم الهدی، الشافی فی الامامة، / ۲۸۹) و در آثار خود اقلا هشت بار به آن تمسک کرده است. بیان ایشان در توضیح این استدلال مشابه بیان شیخ مفید است، و به مواردی چون نیاز به امام معصوم برای هدایت مردم و لزوم عدم خطا در امام اشاره نموده است. (علم الهدی، تنزیه الانبیاءو الأئمه، ص ۲۲؛ علم الهدی، جمل العلم و العمل، ٤١) شیخ طوسی نیز معتقد است که برهان امتناع تسلسل بر مقدماتی متوقف است که مجموع آنها فلسفه وجود امام را تبیین می کند.(شیخ طوسی، الغیبة، ١٦؛ شیخ طوسی، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، ۱۸۹) برهان امتناع تسلسل عصمت امام در قلمرو عمل به امور واجب و ترک کارهای حرام و در قلمرو علم به شناخت احکام شریعت و موضوع آنها و تشخیص مصالح و مفاسد اجتماعی را اثبات می کند. (علی ربانی گلپایگانی، ٥)

همان طور که اشاره شد دیدگاه آلوسی در رد این برهان ناظر به سه وجه است: ۱- عصمت امام ضرورتی ندارد و وظایف امام بدون عصمت نیز انجام می پذیرد. ۲- سلسله معصوم با ختم نبوت پایان می یابد. ۳- دلیل امتناع تسلسل با نظر شیعه در نیابت مجتهد در زمان غیبت امام منفات دارد. این آراء آلوسی از جهات مختلفی با تکیه بر دیدگاههای شیعه قابل نقد و مناقشه است که به آنها اشاره می نماییم:

۳-۱-۱-۱- امامت؛ مکمل نبوت و خاتمیت

بی شک شریعت اسلامی به طور کامل بر پیامبر اکرم ص نازل شده است و پیامبر اکرم ص

1 این برهان به این صورت بیان شده دارای نواقصی است که نیاز به تکمیل دارد.(فاریاب، ۱۹۸)

2 مرحوم شیخ مفید برای این استدلال از امتناع تسلسل استفاده نکرده و اصطلاح فلسفه وجودی امام را برای آن بکار برده است.

نیز احکام شریعت را به تدریج بیان کرده اند. بی گمان با توجه به دوران کوتاه رسالت و فراهم نبودن شرایط مناسب برای تبیین تمام احکام شریعت، بیان بخشی از آنها به زمان های بعد و فراهم شدن شرایط و مقتضیات لازم واگذار شده است. در دوران نبوت پیامبر (ص) مردم در پرتو تعلیمات ایشان به مرتبه ای از دانش و فهم دین و قرآن رسیده و نسل آنان نیز در تربیت و ظهور دین شناسان مسلمان مستعد است، اما با این وجود به دلیل عدم عصمت مردم و همچنین عالمان، احتمال خطا و تفسیر ناصواب از دین در صدراسلام وجود داشت. زیرا که در آن دوره مبانی و اصول مسلم و ثابت دین هنوز منقح مدون و مضبوط نشده بود. و از طرفی هم امکان ندارد که پیامبر (ص) دین خدا را به صورتی ناقص برای مردم بیان کرده باشد چنانکه در قرآن کریم می فرماید «.. **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْاسْلَامَ دِينًا..**» (المائده، ۳) همان طور که در شأن نزول آیه فوق گفته شده، با تعیین جانشین و نصب رهبر دینی و دنیوی مردم است که دین اسلام به صورت یک دین کامل و جامع معرفی می شود. لذا وجود یک مرجع علمی و دینی معصوم به نام امام ضروری می باشد تا بخش هایی از معارف و احکام شریعت را که پیامبر ص به دلیل فراهم نبودن شرایط یا مصالح دیگر بیان نکرده است، برای مردم تبیین نمایند و بیان این بخش از شریعت جز از طریق امام معصوم امکان پذیر نیست. بنابراین خاتمیت نه تنها ناقض عصمت نیست بلکه خود دلیلی بر عصمت امام است. (قدران قراملکی، ١٤٤) (شریفی احمدحسین ، حسن یوسفیان، ۲۸۰) لازم به ذکر است این مطلب با استناد به برهان هایی چون برهان حکمت الهی (علامه حلی، الفین، ٧٦ و ١٤٨؛ صفرزاده، ۱۵۲) و برهان وجوب اطاعت نیز بر این مطلب دلالت دارد. (شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ٤١، طوسی، تجرید الاعتقاد، ۲۲۲)

اصل این اشکال که خاتمیت ناقض عصمت است به دو علت ممکن است برگردد، یا به جهت کفایت قرآن و سنت و اجماع و هدایت علماء است در حفظ دین، یعنی کفایت اجتهاد و عدالت (که ظاهرا عقیده آلوسی است)، و پاسخ آن در ادامه خواهد آمد، و یا بر مبنای بلوغ عقل و به خود وانهادگی انسان است (مبنای نظر اقبال لاهوری و دکتر سروش)که این پندار را تداعی می کند که هدایت های آسمانی، چه در عرصه تشریع و چه در حوزه تبیین معصومانه دین، در بند کشنده خرد آدمی و محدود کننده آن است؛ در حالی که هدایت های معصومانه دینی در هر یک از دو عرصه یاد شده هدیتگر عقل و خرد و بالندگی بخش و تکمیل کننده نواقص آن است. (نک: شاکرین)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.1.2]

۳-۱-۱-۲- تلازم عصمت با مقام امامت

شیخ مفید معتقد است وجوب امامت خود دلیل بر عصمت است.(همو، اوائل المقالات، ٦٥؛ شیخ مفید، وقعة الجمل، ۷۷) زیرا وقتی ثابت شد که وجود امام بعد از پیامبر ص ضروری است عصمت امام نیز ثابت می شود. اینکه آیا امامت با صفت عصمت تلازم دارد یا نه به نوع نگرش و تفسیر امامت بستگی دارد. اگر امامت صرف خلافت و حکومت تفسیر شود چنانکه اهل سنت بر آن عقیده اند و یا حداکثر به معنای تفسیر و تبیین دین تحلیل و معنا شود مقتضی عصمت نیست.

شهید مطهری در تبیین این موضوع به این مطلب اشاره دارد که مخالفان امامت با تفسیر ناقص و یک بعدی امامت یعنی تفسیر آن به مسئله حکومت و زعامت سیاسی از طریق نصب پیامبر اسلام (ص) امامت را مساوی حکومت منصوب انگاشتند، اما شیعه امامت را در دایره گسترده ای می بیند و آن را والا و برتر از حکومت می داند که مشتمل بر مرجعیت دینی و علمی است. به این معنا که امام و جانشین پیامبر همانند وی دارای عصمت و مسئولیت الهی در بیان و حراست از دین است و رأی وی مانند رای پیامبر (ص) در همه زمینه های دینی سیاسی، اجتماعی فصل الخطاب امت خواهد بود. این شأن امام والاتر و مقدم بر شأن حکومتی است. استاد مطهری در این باره می گوید: در مورد مسئله امامت، آنچه که در درجه اول اهمیت است مسئله جانشینی پیغمبر است. آیا بعد از پیغمبر انسانی وجود داشت که واقعاً مرجع احکام دین باشد آن طوری که ایشان مرجع و مبین و مفسر بودند. (مطهری، امامت و رهبری۷۱—۷۲)

و از آنجا که مخالفین امامت به یک مفسر و اسلام شناس معصوم اعتقاد نداشتند، چاره ای جز استفاده از قیاس و روی آورن به استحسانات ظنی و گمانی در پیش روی خود نمی دیدند، روشن است که هیچ یک از این صورت ها صحیح نیست. در همین رابطه است که امام علی (ع) می فرماید: **ام انزل الیه دینا ناقصا فاستعان بهم علی اتمام ... ام انزل الله سبحانه دینا تاماً فقصر رسول - ص - عن تبلیغه و أدائهٔ** (سید رضی،خطبه ۱۸) یعنی: (آیا) آنچه خداوند فرستاد دینی است کاسته و ناقص و خداوند در کامل ساختن آن از ایشان یاری خواسته ... یا دینی که خدا فرستاده تمام بوده و پیامبر (ص) در رساندن آن کوتاهی نموده؟

بنابراین باید در بین امت کسانی باشند که احکام و معارف دین را به طور کامل از پیامبر (ص) فرا گرفته و در تبیین آن معصومانه بیان کنند و به عنوان حافظ و نگهبان شریعت و مرجع مردم برای

شناخت اسلام راستین تشریع و احکام الهی مردم را رهبری کنند.(قدران قراملکی، ۱۲۰؛ شریفی، یوسفیان، ۱۷۹— ۲۸۱) علامه امینی نام شانزده نفر از بزرگان اهل سنت را که تصریح به این مسئله دارند را ذکر نموده است.(امینی، ۲۳۰— ۲۳۷)

ایراداتی که از سوی مخالفان عصمت از جمله آلوسی بر ادله عقلی عصمت گرفته شده، به انکار اصل مسئله امامت — به معنایی که مورد نظر شیعه است — بازگشت می کند وگرنه با پذیرش امامت به این صورت گریزی از پذیرش عصمت ائمه (ع) نیست.

۳-۱-۱-۳- عدم اختصاص عصمت به پیامبران

مقام عصمت یک عنایت الهی همراه با نفس زکیه انسان معصوم است که از صفات لازم نبوت و انبیاء به شمار می آید و به تعبیری لازمه مقام نبوت است، اما به معنای سلب صفت مزبور در دیگران و ادعای انحصار آن در پیامبران نیست. کسانی که این شبهه را مطرح کرده اند معتقدند که عصمت اختصاص به نبوت دارد، لذا آنان باید این مدعای خود را ثابت کنند که تعمیم عصمت به غیر پیامبران مانند اهل بیت (ع) ناسازگار با نبوت است در حالی که روایات و آیاتی از قرآن کریم بر عصمت اهل بیت (ع) دلالت دارند. (قدران قراملکی، پاسخ به شبهات کلامی ۱٤۷)

۳-۱-۱-٤ ادله نقلی

برای اثبات ضرورت وجود امام معصوم در امت اسلامی بعد از ختم نبوت روایات بسیاری در کتب روایی نقل شده است، که در اینجا فقط اشاره ای گذرا به آیه ای از قرآن کریم و یک روایت در این باره می نماییم. در آیه شریفه « **أَطِيعُواْ اللَّهَ وَ أَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَ أُوْلِي الْأَمْرِ مِنكم**». (النساء، ۵۹) خداوند به صورت مطلق به اطاعت از خدا و پیامبر و اولی الأمر امر می کند. و این اطاعت مطلق دلیل بر عصمت آنان است. امام علی (ع) دائره عصمت را شامل «أولی الأمر» تفسیر کرده اند:

"انما الطاعة لله عزوجل و لرسوله و لاولی الأمر و انما أمر بطاعة أولی الأمر لأنهم معصومون مطهرون لا یأمرون بمعصیته". (شیخ صدوق، الخصال، ۱/ ٦٨؛ صدوق، علل الشرایع، ۵۲)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.1.2]

۳-۲ دیدگاه آلوسی بر" برهان حفظ شریعت"

آلوسی در ادامه اشکال می گوید از ادله شیعه بر عصمت امام این است که امام حافظ شریعت است، و جایز نیست که خطا کند.

او در رد این نظر شیعه میگوید امام درواقع مروج دین است و علماء حافظ دین هستند، او برای اثبات ادعای خویش به آیه شریفه «.. **وَ الرَّبِّيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُواْ مِن كِتَابِ اللهِ..**» (المائدة، ٤٤) و آیه شریفه «.. **كُونُواْ رَبَّانِيِّنَ بِمَا كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَ بِمَا كُنتُمْ تَدْرُسُون.**» ((آل عمران، ۷۹) استناد کرده است. او همچنین به کتاب الکرامة علامه حلی استناد کرده که دین در زمان فترت و غیبت بوسیله علماء حفظ می شود، و می گوید پس در زمان حضور آنان هم همانگونه حفظ می شود. او در ادامه میگوید که حفظ دین با کتاب و سنت و اجماع بوده نه با افراد، و خطا در این سه ممکن نیست، پس ضرورتی در حفظ آن نیست. (آلوسی، النفحات القدسیه، ۲۹–۳۰) در این اشکال آلوسی با پذیرفتن فرضی ادله ضرورت امامت و اینکه بعد از خاتمیت وجود امام معصوم برای جامعه ضروری است، به نقش امام در جامعه اشکال وارد می کند.

۳-۲-۱- تحلیل و نقد آراء آلوسی

یکی از برهان های عقلی که شیعه بر وجوب عصمت امام به آن استدلال می کند، برهانی است که از آن با عنوان حفظ شریعت یا تبیین شریعت تعبیر شده است. البته بعضی آن را به صورت دو برهان جداگانه مطرح کرده اند. در این برهان امام، چون حافظ شرع است باید معصوم باشد. مطابق این دلیل، یکی از مهمترین فواید امامت، حفظ دیانت است. امام مانند پیامبر حافظ شرع است. لذا باید معصوم باشد؛ زیرا مراد از حفظ، نگهداری علمی و عملی است و بدیهی است که حفظ شریعت در عمل و علم تنها با داشتن عصمت، امکان پذیر است. زیرا غیر معصوم دست کم دچار خطا می‌شود. این برهان در مناظره هشام با ضرار به این گونه مطرح شده است که فلسفه وجود امام؛ ضرورت عصمت امام را ایجاب می کند.(صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ۲/ ۳۶۱–۳۶۸؛ صدوق، علل الشرایع، ۱/ ۲۰۴) شیخ صدوق در شرح این برهان می گوید: اگر غرض از نصب امام، روشن کردن معانی واقعی قرآن و سنت رسول خدا است، پس واجب است که امام معصوم باشد.(صدوق، معانی الاخبار، ۱۳۳– ۱۳۴) سید مرتضی برهان حفظ شریعت را در سه مرحله ارائه کرده است: نخست آن که شریعت نیاز به حافظ دارد و رها کردن بدون حافظ

اهمال و تکلیف خارج از طاقت است. ثانیا حافظ شریعت باید معصوم باشد، زیرا در غیر این صورت ممکن است در شریعت تغییر و تبدیل ایجاد کند. ثالثا حافظ شریعت لزوما امام است زیرا محال است شریعت به دست امت حفظ شود.(علم الهدی، الشافی فی الامامة، ۱/ ۱۷۹) مرحوم سید در الشافی تمام مواردی را که ممکن است به عنوان جانشین امام در حفظ شریعت مطرح شود همچون قرآن، سنت، اجماع و تواتر را بررسی می کند.(علم الهدی، الشافی فی الامامة، ۱/ ۱۸۷، ۲۸۳،۳۰۵) اشکالهای وارده بر نظر آلوسی را در چند وجه بررسی می کنیم:

۳-۲-۱-۱ تحقق غایت بعثت در استمرار امامت معصوم

ضرورت بعثت انبیا مقتضی ضرورت عصمت امام نیز هست. به این صورت که خداوند برای راهنمایی بشر می بایست از باب لطف و حکمت راهنمایانی از جنس بشر اما معصوم به سوی آنها برانگیزد. در واقع هدف از ارسال رسل و انزال کتب تبیین هدایت از ضلالت و هدایت سبیل است تا مردم به سوی رستگاری دنیا و آخرت رهنمون شوند. اگر پیامبران الهی معصوم نبودند و چنین مصونیتی را نداشته باشند و در ابلاغ پیامبر یا تفسیر و تبیین آن مرتکب خطا و سهو شوند برخلاف غرض بعثت می باشد. در دوره هایی که پیامبران با فاصله های یکی پس از دیگری می آمدند، وجود امام لازم نبود، اما با ارسال آخرین پیامبر و وحی آسمانی و وداع آخرین سفیر آسمانی از مردم، آیین آسمانی نمی تواند بدون شارع و مفسر معصوم رها گردد، چرا که تفسیر و برداشت های سایر انسان ها حسب فرض مصون از خطا و اشتباه نیستند. لذا باید یک میزان و شاخص معینی باشد تا با آن تفاسیر و قرائت های سره از ناسره روشن گردد. در صورت نبود فرد معصوم، این آخرین آیین آسمانی به آفت تحریف و انحراف مبتلا می گردد و غایت و هدف بعثت انبیا و نصب امامان هرگز تحق نمی شود و این با هدف بعثت و اصل خاتمیت که خود مقتضی ضرورت وجود امام معصوم بعد از پیامبر اکرم (ص) است مناسب می باشد. این استدلال که در روایات نیز تاکید و تبیین شده است در آثار و سخنان بسیاری از دانشمندان نخست و متاخر شیعی به چشم می خورد، و بزرگانی چون شیخ مفید، شیخ طوسی و محقق لاهیجی از کسانی هستند که به این دلیل استناد جسته اند. (رازی، ۱/ ۲۱۹؛ راوندی، ۱/ ۸۲؛ علامه حلی، ۳۴۹؛ سبحانی، ۳/ ۱۶۷؛ طوسی، قواعد العقائد، ۹۲؛ آملی، ۲۴۸۱؛ بیاضی، ۱/ ۵۱؛ اردبیلی، ۵۳؛ علامه حلی، منهاج الیقین فی اصول الدین، ۲۸۰؛ طباطبایی، ۲/ ۱۳۵؛ سید موسی هاشمی تنکابنی، ۹۱؛ قدران

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.1.2]

قراملکی، ۱۴۹) و حتی برخی که در عقلی بودن دلایل دیگر به نوعی شک و تردید کرده اند، این دلیل را پذیرفته اند. (مصباح یزدی، ۱۴۸)

۳-۲-۱-۲ لزوم فهم و تفسیر صحیح دین

درست است که با ارسال کامل ترین وحی تشریعی نیاز به تجدید بعثت و نبوت تشریعی برطرف شده و با قرار گرفتن مسئولیت دعوت و ارشاد و تبلیغ دینی بر دوش عالمان نیاز به نبوت تبلیغی نیز برطرف گردید، اما درست از همین رو نیاز به امام در امت خاتم رخ نمود. به عبارت دیگر قرار گرفتن عالمان در مسند تبلیغ، استنباط و تفسیر دین لاجرم در پی دارنده فهم ها، گرایش ها و تفسیرهای مختلف و متعارض از دین خواهد شد و بدون وجود رهبر و مرجعی که از عصمت و حجیت در فهم و تبیین دین برخوردار باشد و رأی او فصل الخطاب همه آراء متعارض باشد، حفظ دین و دوام و پایندگی جامعه دینی صورت نخواهد پذیرفت. رک: (قدران ملکی، خاتمیت ۲۷– ۶۰)، بی گمان با توجه به دوران کوتاه رسالت و فراهم نبودن شرایط مناسب برای تبیین تمام احکام شریعت، بیان بخشی از آنها به زمان های بعد و فراهم شدن شرایط و مقتضیات لازم واگذار شده است و از طرفی هم امکان ندارد که پیامبر (ص) دین خدا را به صورتی ناقص برای مردم بیان کرده باشد چنانکه در قرآن کریم می فرماید «..**الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا**..» (المائده، ۳) همان طور که در شأن نزول آیه فوق گفته شده، با تعیین جانشین و نصب رهبر دینی و دنیوی مردم است که دین اسلام به صورت یک دین کامل و جامع معرفی می شود. (نک: احمدحسین شریفی، حسن یوسفیان، ۲۸۰) لذا وجود یک مرجع علمی و دینی معصوم به نام امام ضروری بود تا بخش هایی از معارف و احکام شریعت را که پیامبر ص به دلیل فراهم نبودن شرایط یا مصالح دیگر بیان نکرده است، برای مردم تبیین نمایند و بیان این بخش از شریعت جز از طریق امام عصوم امکان پذیر نیست. بنابراین همانگونه که شیخ مفید معتقد است وجوب امامت خود دلیل بر عصمت است.

۳-۲-۱-۳- امامت معصوم یگانه حافظ شریعت

مسئولیت اصلی امام، حفاظت از شرع است و به این جهت است که باید معصوم باشد؛ مگر آن که کسی مدعی شود که حفاظت از دین، منحصر در امام نمی‌باشد و مؤلفه‌های دیگری هم هست که قادر به حفاظت از دین می‌باشد. باید ببینیم که آیا بدون امام، حفاظت از دین، تحقق پیدا

می‌کند یا نه. راههایی که به واسطه آنها ممکن است دین حفظ شود، قرآن، سنت، اجماع، قیاس و اصل برائت است. اکنون باید دید که آیا این موارد، قادر به حفاظت از دین هستند یا نه.

الف) قرآن؛ مسلمانان اتفاق دارند که قرآن نمی‌تواند حافظ دین باشد؛ زیرا تفسیر و برداشت از قرآن، متفاوت است و از طرف دیگر، حوادثی که در طول تاریخ رخ می‌دهد، بسیار زیاد است و ممکن است تطبیق این حوادث با قرآن و برداشت احکام مورد نیاز، برای هر کسی میسور نباشد.

ب) سنت؛ سنت نبوی هم نمی‌تواند حافظ شرع باشد؛ به همان دلیلی که در بالا گفته شد.

ج) اجماع؛ اعتبار اجماع، به وجود معصوم است و اگر در بین اجماع کنندگان، امام نباشد، احتمال خطا در اجماع هم وجود دارد؛ زیرا احتمال کذب درباره هر یك از افراد اجماع، هست؛ بنا بر این، احتمال کذب در مجموع آنها هم خواهد بود.

د) قیاس؛ قیاس، آن است که برای به دست آوردن حکم مسأله‌ای، به موارد مشابه آن استناد کنیم و بگوییم: چون حکم مسأله‌ای در فلان مورد، حرمت است، پس حکم این موارد هم، چون شبیه آن است، حرمت می‌باشد. ولی از آنجا که حاصل قیاس، چیزی جز ظن ضعیف نمی‌باشد، قیاس در استنباط احکام شرعی، حجت نیست؛ بنا بر این، حافظ شرع هم نمی‌تواند باشد.

ه) اصل برائت؛ منظور از اصل برائت، این است که هرگاه نهی یا امری از جانب شارع در موردی نرسیده باشد، ما می‌توانیم با توجه به برائت، حکم به واجب نبودن یا حرام نبودن کنیم. ولی این اصل هم نمی‌تواند حافظ شرع باشد؛ زیرا اگر برائت بتواند حافظ شرع باشد، بعثت انبیاء لازم نبود و انسان می‌توانست به عقل خویش اکتفا کند؛ و حال آن که اکتفا به عقل، صحیح نیست.

و) مجموع موارد بالا؛ مجموع اینها هم نمی‌تواند حافظ شرع باشد؛ زیرا در کتاب و سنت، تنازع واقع شده و کتاب و سنت هم از جمله این مجموع است. قیاس نیز حجت نیست؛ بنا بر این، بر مجموع هم اشکال وارد خواهد بود.

نتیجه می‌گیریم که حفاظت از شریعت، تنها به وسیله امام صورت می‌گیرد و بنا بر این، باید معصوم باشد تا دین از خطر سقوط و انحراف، مصون بماند. (جمعی از نویسندگان، ۱۵۸)

بسیاری از متکلمین نامدار شیعه، مثل شیخ مفید، علامه حلی و شیخ صدوق به این دلیل تمسک کرده اند؛ بدین صورت که امام حافظ شریعت است و اگر معصوم نباشد شریعت از زیاده و نقصان در امان نیست. (شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ۱۴۰؛ ، تصحیح الاعتقاد، ۱۳۰؛ علامه حلی، ۱۸۴؛ بحرانی، ۱۷۹؛ مظفر، ۲/ ۸۰؛ علامه حلی، الفین، ۷۰)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.1.2]

شیخ صدوق در بیان این برهان می نویسد: هر کلامی که از ناقل نقل شود محتمل وجوهی است– قرآن و اکثر سنت در شریعت اسلام، طبق دیدگاهی که از اجماع مسلمین بر می آید، صحیح بوده و زیاده و نقصان ندارد و تبدیل و تغییر در آنها وارد نشده است– لذا قرآن و سنت، چون برای معانی و وجوه مختلف، محتمل است، پس لازم است که مخبر و مفسر آنها، صادق و معصوم باشد، تا از کذب و غلط مصون باشد و از مقصود خدا و رسول اکرم در قرآن و سنت خبر دهد. چون خلایق بر اساس امیال فرقه ای به نفع مذهب خود تفسیر می کنند، پس اگر خداوند امام معصومی را قرار ندهد تا شریعت را کما هو تفسیر کند، لازمه اش، سوق دادن مردم به سوی اختلاف و تأویل مختلف است و لازمه این اختلاف در تأویل، عمل به متناقضات است، چون این اغراء به اختلاف و اغراء به جهل بر خداوند قبیح است، لذا واجب است امامی معصوم، در هر عصری باشد تا قرآن و سنت، طبق خواست خدا تفسیر و تبیین گردد و از زیاده و نقصان آن را حفظ کند. (شیخ صدوق، معانی الاخبار، ۱۳۳–۱۳٤)

اینها دلایلی هستند بر این که حفظ دین و جامعه دینی در گرو وجود امام معصوم و هدایت و رهبری های اوست.

۳-۲-۱-٤- مقابله با اجتهاد در برابر نص

جریان اجتهاد گرایی در برابر نص که پس از رحلت پیامبر اسلام ص در جامعه اسلامی پدید آمد، سبب گشوده شدن راه اقسام بدعت ها تحت عنوان اجتهاد دینی و مشروعیت دادن به آن بود که متاسفانه عالمان دینی به جای مبارزه با آن، به سازش و پذیرش آن تن دادند. بنابراین حفاظت از حدود اسلام و مقابله با اجتهاد فقط با اطاعت از امام معصوم امکان پذیر است.

۳-۲-۱-۵- ادله نقلی بر حفظ شریعت

در کتاب بحارالانوار در باب زیارات جامعه از قول امام صادق ع در شان ائمه ع نقل شده است که امام فرمود: "... و ورثت علم الكتاب و لقنت فصل الخطاب و أوضح بمكانك معارف التنزيل و غوامض التأويل و سلمت إليك راية الحق و كلفت هداية الخلق و نبذ إليك عهد الإمامة و ألزمت حفظ الشريعة ..." (مجلسی، ۹۹/ ۱٦۵)در این دعا وظایف متعددی از جمله حفظ شریعت به امام تفویض شده است.

۳-۳ دیدگاه آلوسی بر برهان لطف

آلوسی می گوید: "اگر وجود معصوم را برای حفظ دین و جلوگیری از خطا بپذیریم، پس باید در هر مکان و زمان معصومی باشد و این علاوه بر آن که محال است، با عقاید شیعه مبنی بر اینکه در زمان غیبت امام زمان عج، علماء مجتهد نائب امام هستند، تناقض دارد". (آلوسی، النفحات القدسیه، ۲۹– ۳۰) در این اشکال آلوسی با پذیرفتن فرضی ادله ضرورت امامت و اینکه بعد از خاتمیت وجود امام معصوم برای جامعه ضروری است، اظهار می کند که ادله مزبور با نظریه دیگر شیعه درباره غیبت امام دوازدهم تهافت دارد، چراکه شیعه از یک سو بر ضرورت وجود امام معصوم در جامعه تأکید و اصرار می ورزد و از سوی دیگر با طرح نظریه غیبت معتقد است امام معصوم فعلاً در جامعه حضور ندارد و به اصطلاح جامعه در عصر غیبت به سر می برد. این اشکال از سده های پیشین مطرح شده و امروز نیز بعضی به طرح و تقویت آن پرداخته اند.

۳-۳-۱- تحلیل و نقد آراء آلوسی

بسیاری از متکلمین شیعه مثل، شیخ مفید ، علامه حلی و سید مرتضی برای اثبات عصمت امامان و انبیا (علیهم السلام) به لطف استدلال کرده اند و گفته اند که وقتی حسن و قبح عقلی ثابت گردید، عقل به این حکم می کند که لطف بر خداوند واجب است؛ چون محصل، غرض الهی و عصمت امام، لطف است. از طرفی عصمت امری خفی است و مگر از جانب خداوند تعالی دانسته نمی شود. همچنین اجماع بر عدم عصمت غیر امامان واقع است. نک: (علامه حلی، الفین، ۳۹؛ علم الهدی، امالی، ۲/ ۱۳۵؛ علم الهدی، الشافی فی الامامة، ۱/ ۳٦، ۳۷، ۱٦۲)

این استدلال را بسیاری از دانشمندان اسلامی در باب عصمت انبیا و امامان مشترکاً آورده اند، و فخر رازی هم در باب عصمت انبیا به آن تمسک کرده.(الرازی ۸/ ۳۰)

این برهان یکی از تقریرهای برهان نقض غرض است که در کتب متکلمین به آن اشاره شده است و بنابر آن امام باید معصوم باشد تا غرض پروردگار عالم در حفظ شریعت، تبیین و تفسیر دین طبق نظر خدا انجام گردد.

در تحلیل این اشکال نکات ذیل قابل توجه است:

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.1.2]

۳-۳-۱-۱- ضرورت عینی امام معصوم در صدر اسلام

در بحث فلسفه امامت به این نتیجه می رسیم که با وجود پیامبر اسلام (ص) بـه وجـود امـام دیگری اصلاً نیاز نبود، اما پس از رحلت آن حضرت، مردم به اندازه کامل رشد نیافتـه بودنـد تـا در تفسیر دین خودکفا باشند و بتوانند سره را از ناسـره تـشخیص دهنـد، عملیـاتی نمـودن آمـوزه هـا و احکام شریعت به وجود حکومت دینی و در رأس آن امام و حاکم معصوم نیاز داشت تا حاکم دینی با استفاده از دو ابزار کلیدی خود یعنی مقـام مرجعیـت علمـی و دینـی (کـه مرهـون علـم لـدنی و عصمت است) و مقام سیاسی و قدرت ظاهری خود ضمن تبیین دین خاتم و رفع شبهات منتقدان و جاهلان با تحریف کنندگان و معارضان نیز مقابله کند تا اینکه اسلام به مرور به نـسل هـای بعـدی منتقل شود و مردم با راهنمایی های امامان آمادگی لازم را در خود ایجاد کنند. خوشبختانه ابزار اول (مرجعیت علمی و دینی) تا حدودی بعد از رحلت پیامبر (ص) در میان مردم بـود و مـردم و حتـی پیروان ادیان دیگر می توانستند شبهات خود را از امام علی (ع) پرسـیده و جـواب لازم و منطقـی را دریافت نمایند. متأسفانه ابزار دوم یعنی حکومت و قدرت سیاسی از مقام مرجعیت علمـی و دینـی به مدت بیست و پنج سال جدا شد که از این ناحیه آسیب هایی بر اسلام متوجـه شـد، لکـن بـا بـه قدرت رسیدن حضرت علی (ع) حضرت تا اندازه ای توانـست بـه آسـیب زدایـی بپـردازد. بعـد از حضرت علی (ع) ده امام معصوم نیز آموزه های ناب اسام را به نسل های بعدی انتقال می دادند، با ادامه این جریان تا حدودی نیاز عینی و ضروری جامعه به وجـود امـام معـصوم کاسـته مـی شـد و جامعه به طرف آمادگی لازم برای دوره غیبت امام معصوم (ع) حرکت می کرد. زیـرا کـه مهمتـرین فلسفه ضرورت امام در جامعه مرجعیت علمی و دینی و هدایت مردم بـود کـه اصـل آن بـا وجـود دوازده امام در جامعه ثبت و نهادینه شده و تکمیل آن نیز به عهده عالمان دین گذاشـته شـده بـود. و مسئله تشریع نیز در عصر خود ائمه به مقدار لازم صورت گرفته است و نیازهـای جامعـه بـه آن بـه صورت اصل اجتهاد به فقهای واجد شرایط واگذار شده اسـت. رک: (قـدران قراملکـی، پاسـخ بـه شبهات کلامی ۱۳۰)

۳-۳-۱-۲- عدم منافات غیبت با لطف الهی

البته باید پذیرفت وجود امام معصوم در هر عصری در میان مردم خود لطف مضاعف دارد که جای آن را هیچ عالمی پر نمی کند، اگر امام معصومی وجود داشت اختلاف علمـی مـسلمانان بـه حداقل می رسید. اما متأسفانه در عصر امام دوازدهم خداوند آن امام همام را به سراپرده غیبت برده تا در وقت دیگر ظهور نموده، جامعه را از عدالت مملو کند. ولی غیبت امام (عج) بـه معنـی عـدم وجود نیست و با دلیل لطف تهافتی ندارد.

۳-۳-۱-۳- امکان هدایت تشریعی و تکوینی در دورهٔ غیبت

یکی از شئون و وظایف امام و مقام امامت، واسطه فیض الهی بودن است کـه بنـابر نـصوص روایی خداوند عالم تکوین را به واسطه وجود شریف ائمه هدایت و اداره می کنـد. روایـاتی از ایـن سنخ که: «آسمان با وجود ائمه از سقوط حفظ شده، با فیض وجود ائمه باران می بارد»بر آن دلالت دارد، روشن است این شأن امام به اصل وجود شریفش متقن است و مسئله غیبت مانع آن نیست.

افزون بر این شأن و ولایت تکوینی امام، امام حجت (عج) در سراپرده غیبت از طرق مختلف مانند تصرف در نفوس و دل های مسلمانان و انسان ها بستر هدایت آنـان را بـه سـوی حـق تعـالی فراهم می کند، چنان که آیه شریفه ذیل درباره نقش امامان و پیشوایان مـی فرمایـد: «**أَئِمَّـةً يَهْـدُونَ بِأَمْرِنَا**» (السجده، ٢٤) پیامبر اسلام (ص) بعد از اشاره به غیبت حضرت حجت (عج) در پاسخ از امکان استفاده از وجود آن حضرت در دوره غیبت فرمود:

"قسم به خدایی که مرا به نبوت برانگیخت، همانا مـردم بـه نـور وی روشـنایی و هـدایت مـی جویند و به ولایتش منتفه می شوند، مانند انتفاع مردم از خورشید پـشت ابرهـا." (صـدوق، کمـال الدین و تمام النعمة، ۱/ ٤٧٥، ؛ مجلسی، ۵۳/ ۱۷۱؛ طبرسی، ۲/ ٤٩٢)

۳-۳-۱-٤- غیبت طلیعه ظهور نور

نفس وجود امام عصر (عج) در سراپردهٔ غیبت و وعده ظهور حضرت بـا برپـایی مقتـدرترین حکومت جهانی عادلانه و نابودی ظلم و حکومت های ظالمانه موجـب امیـد در دل هـای انـسان

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.1.2]

های مؤمن می گردد. به دیگر سخن غیبت حضرت مقدمه و طلیعه ظهور نور عـالم تـاب و فرجـام نیکو و روشن، برای جامعه جهانی است.(قدران قراملکی، ۱۲۸–۱۳٤)

۳-۳-۱-۵- ادله نقلی

امام علی (ع) در تقریر ساحت اهل البیت فرمود: "ان الله تبـرک و تعـالی طهرنـا و عـصمنا و جعلنا شهداء علی خلقه و حجته فی أرضه و جعلنا مع القـرآن و جعـل القـرآن معنـا لانفارقـه و لا یفارقنا". (الکلینی، ۱/ ۱۹۱)

ج- امام رضا (ع) در بیان حقیقت امامت و امام در حدیث بلندی فرمود: "الامام المطهر مـن الذنوب المبرا عن العیوب ... معدن القدس و اطهارة و النسک و الزهـادة و نـسل المطهـرة ... فهـو معصوم مؤید موفق مسدد قد أمن من الخطایا و الزلل و العثار یخصه الله بذلک لیکون حجته علـی عباده و شاهده علی خلقه". (الکلینی، ۱/ ۲۰۰ و ۲۰۲ و ۲۰۳؛ شیخ صدوق، عیون اخبار ارضا، ۲/ ۱۹۷ و ۱۹۹)

امام از ذنوب طاهر و از هر عیوب مبراست ... امـام معـدن قداسـت، پـاکی، عبـادت و زهـد است. امام از نسل پاکان است ... او شخص معصوم مؤید و موفق از طرف الهی است که به تحقیق از خطایا و لغزش ها و گمراهی ها در امان است. این ویژگی را خداونـد بـه وی اختـصاص داده تـا حجت خدا بر بندگان و شاهد او بر خلقش باشد.

در مباحث فوق اشکالهایی را که آلوسی بر چند برهان در اثبات ضرورت عـصمت امـام وارد کرده را مورد تحلیل و بررسی قرار دادیم. در ادامه مطلب تعدادی دیگر از بـراهین شـیعه را بـه طـور مختصر بیان می کنیم تا دلیلی باشد برای اثبات حقانیت ادعای امامیه.

۴- نتایج مقاله

٤-۱ آلوسی- از مفسرین معاصر عامه - از جمله مخالفین عصمت اسـت و نقـدهایی را بـر دیدگاههای امامیه در ادله عصمت وارد کرده است. در نقد براهین عقلـی دلایلـی در رد سـه برهـان امتناع تسلسل، حفظ شریعت و برهان لطف ارائه نموده است. آلوسی بر این باور است که بـا خـتم نبوت موضوع عصمت پایان می یابد و برای حفظ دین فقط عـدالت و اجتهـاد کفایـت مـی کنـد و

نیازی به عصمت امام نیست. او همچنین معتقد است که بین عصمت امام و غیبت ایشان از منظـر شیعه تناقض وجود دارد.

٤-۲- این دیدگاههای آلوسی عمدتا برگرفته از نوع نگـرش او بـه موضـوع امامـت و مـساوی دانستن امامت و خلافت و تنزل مقام امامت به حد عالمان یک جامعه است. اسـت، زیـرا ا معتقـد است خداوند حفظ شریعت را به عالمان سپرده است، لذا نیاری به ضرورت عصمت نمی‌بیند.

٤-۳- آراء آلوسی بعضا برگرفته از نظر پیشینیان است و مورد استفاده مخالفان معاصر نیز قرار گرفته است.

٤-٤- روش آلوسی در نفی این براهین سست کردن عقاید شیعه از طریق بیان تناقض در بـین عقاید ایشان به زعم او است. او استنادهایی به کتب شیعه می کند که بعضا صحیح نیست.

٤-۵- از دیدگاه شیعه اگرچه با ختم نبوت، نزول وحی پایان یافته است، اما نیاز به انسان های مفترض الطاعة همچنان ضرورت وجود و عصمت آنان را ایجاب می کند که مطابق قرآن و روایات نبوی، امامان مصادیق بارز آن هستند و قول به عصمت اهـل بیـت مقتـضای ادلـه عقلـی، قرآنـی و روایی می باشند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.1.2]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه، سید رضی ، محمد بن حسین، بی تا

۳. آلوسی، السید محمد. النفحات القدسیه. بی جا: بدون ناشر، بی تا.

٤. همو. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٥.

٥. آملی، سید حیدر. تفسیر المحیط الاعظم. قم: نور علی نور، ١٣٨٠.

٦. ابراهیم صفرزاده. عصمت امامان از دیدگاه عقل و وحی. قم: زائر آستان مقدس، ١٣٩٢.

٧. ابن ابی الحدید، عبد الحمید. شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٣٨٧.

٨. ابن نوبخت ابی اسحاق ابراهیم. الیاقوت فی علم الکلام. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ١٤١٣.

٩. اردبیلی، المقدس احمد. اصول دین. ترجمه‌ی محسن صادقی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ١٣٧٩.

١٠. الاشعری، علی بن اسماعیل. مقالات الاسلامیین. تحقیق محمد محی الدین عبد الحمید. بی جا: دار الحداثة، ١٤٠٥.

١١. امینی، عبدالحسین. الغدیر. تهران: دار الکتب الاسلامیه، ١٣٦٦.

١٢. ایجی، عضدالدین. المواقف. قاهره: مکتبة المتنبی، بی تا.

١٣. بحرانی، ابن میثم، قواعد المرام فی علم الکلام. بی جا: مکتبة آیت الله مرعشی نجفی، بی تا.

١٤. بیاضی، علی بن یونس. الصراط المستقیم. بی جا: المکتبة المرتضویة، ١٣٨٤.

١٥. تفتازانی، سعدالدین. شرح المقاصد. تحقیق احمد حجازی السقا. قم: منشورات الشریف الرضی، ١٤٠٩.

١٦. جرجانی، میر سید شریف و حسن جلبی. شرح المواقف. مصر: چاپخانه سعادت، ١٣٢٥.

١٧. جمعی از نویسندگان. امامت پژوهی،بررسی دیدگاههای امامیه، معتزله واشاعره. بی جا: دانشگه علوم اسلامی رضوی، بی تا.

١٨. حلی.یوسف بن مطهر، الفین. قم: دارالهجره.

١٩. همو. منهاج الیقین فی اصول الدین. قم: انتشارات محقق، ١٤١٦.

٢٠. همو، محمد حسن. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. محقق: علامه حلی، مترجم□: ابوالحسن شعرانی. تهران: انتشارات اسلامیه، ١٣٩٨.

٢١. راوندی، قطب الدین. منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ١٤٠٦.

٢٢. رازی، ابوالفتوح. روض الجنان. مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ١٣٧١.

٢٣. الرازی، فخرالدین. المطالب العالیة من العلم الالهی. بی جا: دار الکتب العربیة، بی تا.

٢٤. همو، فخرالدین محمد. تفسیر فخر الدین الرازی. بی جا: بی نا، بی تا.

٢٥. راغب اصفهانی. المفردات فی غریب القرآن. بی جا: دفتر نشر الکتاب، ١٤٠٤.

٢٦. ربانی گلپایگانی. علی "عصمت از نگاه خرد." قبسات (بی تا): بدون صفحه.

٢٧. سبحانی، جعفر. الالهیات. قم: موسسه امام صادق، ١٤١٧.

٢٨. سجادی، صادق. مفسرین. بی تا.

٢٩. سروش، عبدالکریم. بسط تجربه نبوی. تهران: موسسه فرهنگی صراط، ١٣٧٦.

٣٠. همو. "پاسخ اول سروش به بهمن پور." سایت بازتاب سروش (١. ٦. ٦٤): بدون صفحه.

٣١. سید مرتضی.علی بن حسین الشافی فی الامامة. قم: موسسه اسماعیلیان، بی تا.

٣٢. همو. امالی. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بی جا: دار احیاء الکتب العربیة، ١٣٧٣.

٣٣. همو تنزیه الانبیاءو الأئمه. بیروت: دار الأضواء، ١٤٠٩.

٣٤. همو. جمل العلم و العمل. نجف اشرف: نشر آداب، ١٣٨٧.

٣٥. سیوری، فاضل مقداد. ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین. قم: مکتبة آیت الله مرعشی نجفی، بی تا.

٣٦. همو . الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد. محقق صفاء الدین البصری. مشهد: انتشارات مجمع البحوث الاسلامیة، ١٤١٢.

٣٧. شاکرین، حمید رضا. دین شناسی. قم: معارف، ١٣٨٧.

٣٨. شریفی، احمدحسین ، یوسفیان، حسن. پژوهشی در عصمت معصومان ع. تهران: سازمان انتشارات پژوهشکاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ١٣٨٨.

٣٩. صدوق، محمد بن علی. الخصال. محقق: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین، بی تا.

٤٠. همو. علل الشرایع. نجف: مکتبة الحیدریة، ١٣٨٦.

٤١. همو. عیون اخبار ارضا. نجف: المطبعة الحیدریة، ١٣٩٠.

٤٢. همو کمال الدین و تمام النعمة. محقق: علی اکبر غفاری. قم: موسسه نشر اسلامی، ١٤٠٥.

٤٣. همو. معانی الاخبار. قم: انتشارات اسلامی، ١٣٦١.

٤٤. طوسی، محمد بن حسن. الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد. تهران: مکتب جامع جهل ستون، ١٤٠٠.

٤٥. همو. الغیبة. قم: موسسه معارف اسلامی، ١٤١١.

٤٦. همو. تلخیص الشافی. قم: مؤسسه المحبین، ١٣٨٢.

٤٧. هو. رسائل العشر. قم: موسسه النشر الاسلامی، بی تا.

٤٨. طبرسی، احمد بن علی. الاحتجاج. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٤١٠.

٤٩. طوسی، خواجه نصیر الدین. تجرید الاعتقاد. بی جا: دفتر تبلیغات اسلامی، ١٤٠٧.

٥٠. همو. قواعد العقائد. ترجمه‌ی ربانی گلپایگانی. قم: لجنةادارةالحوزة العلمیه، ١٤١٦.

٥١. طباطبایی، محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین، بی تا.

٥٢. فاریاب، محمد حسین. عصمت امام در تاریخ تفکر امامیه تا پایان قرن پنجم هجری. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ١٣٩٠.

٥٣. قاضی عبدالجبار. المغنی. ج ١٣. بدون ناشر.

٥٤. قدران قراملکی، محمدحسن. پاسخ به شبهات کلامی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشکاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ١٣٩٢.

٥٥. همو، محمدحسن. خاتمیت. تهران: کانون اندیشه جوان، ١٣٩١.

٥٦. کدیور، محسن. "قرائت فراموش شده." مدرسه ٣ (١٣٨٥): ٩٥.

٥٧. الکلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٣٦٣.

٥٨. لاهیجی، عبد الرزاق. سرمایه ایمان. مصحح: صادق لاریجانی. قم: انتشارات الزهراء، ١٣٧٢.

٥٩. لاهیجی، عبدالرزاق. گوهر مراد. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ١٣٧٣.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.1.2]

٦٠. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٣.
٦١. محقق حلی. المسلک فی اصول الدین. بی جا: موسسه نشر آستانه رضویه، ١٤١٤.
٦٢. مصباح یزدی، محمد تقی. راهنما شناسی. تهران: امیرکبیر، ١٣٧٥.
٦٣. مطهری، مرتضی. امامت و رهبری. تهران: صدرا، ١٣٦٨.
٦٤. مظفر، محمد حسن. دلائل الصدق. قاهره: دارالعلم، بی تا.
٦٥. الملاحمی الخوارزمی، رکن الدین. الفائق فی اصول الدین. مسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ١٣٨٦.
٦٦. مفید. اوائل المقالات. انتشارات مطالعات اسلامی، دانشگاه تهران، ١٤١٣.
٦٧. همو وقعة الجمل. قم: مکتبة الداوری، بی تا.
٦٨. همو. النکت الاعتقادیه. قم: انتشارات المؤتمر العالمیة لألفیة الشیخ المفید، ١٤١٣.
٦٩. همو. تصحیح الاعتقاد، مصفات شیخ مفید. قم: انتشارات المؤتمر العالمیة لألفیة الشیخ المفید، ١٤١٣.
٧٠. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دارالاسلامیه، ١٣٦٩.
٧١. هاشمی تنکابنی. سید موسی عصمت، ضرورت و آثار. قم: بوستان کتاب، ١٣٩٠.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1394.14.30.1.2]